

روم رؤیا را برقرار می‌سازد — شماره شش

بحث وجدل‌های نبوی در تاریخ ادونتیست: درک اختلاف میان اوریا اسمیت و جیمز وایت درباره دانیال 11:36

Jeff Pippenger

2024-08-14

ما به شش خط مناقشه نبوی می‌پردازیم که در درون تاریخ ادونتیسم از ۱۷۹۸ تا زمان حاضر رخ داده‌اند.

«در تاریخ و نبوت، کلام خداوند کشمکش دیرپای میان حق و خطا را به تصویر می‌کشد. این کشمکش هنوز هم ادامه دارد. آنچه پیش‌تر بوده است، بار دیگر تکرار خواهد شد. مناقشات کهن دوباره زنده خواهند شد، و نظریه‌های تازه پیوسته سر برخواهند آورد. اما قوم خدا، که در ایمان خویش و در تحقق نبوت، در اعلام پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم نقشی ایفا کرده‌اند، می‌دانند که بر چه جایگاهی ایستاده‌اند. ایشان تجربه‌ای دارند که از طلای ناب نیز گران‌بهاتر است. آنان باید همچون صخره‌ای استوار بایستند و آغاز اطمینان خود را تا پایان استوار نگاه دارند.» Selected Messages, book 2, 109

مقاله پیشین به نخستین و آخرین مناقشه درباره قدرت روم پرداخت، و اکنون به مناقشه‌ای خواهیم پرداخت که میان اوراپاه اسمیت و جیمز وایت رخ داد. اوراپاه اسمیت «تفسیر خصوصی» خود را در آیه سی‌وشش وارد کرد.

«آیه ۳۶. و پادشاه بر وفق اراده خویش عمل خواهد کرد؛ و خویشتن را برخواهد افراشت و خود را برتر از هر خدایی بزرگ خواهد شمرد، و بر ضد خدای خدایان سخنان شگفت خواهد گفت، و کامیاب خواهد شد تا هنگامی که غضب به انجام رسد؛ زیرا آنچه مقدر شده است، به وقوع خواهد پیوست.»

«پادشاهی که در اینجا معرفی شده است، نمی‌تواند دلالت بر همان قدرتی داشته باشد که آخرین بار بدان اشاره شد؛ یعنی قدرت پاپی؛ زیرا اگر این ویژگی‌های مشخص بر آن قدرت تطبیق داده شوند، صادق نخواهند بود.» Uriah Smith, Daniel and the Revelation, 292.

اسمیت اذعان کرد که قدرت در آیه پیشین «روم پاپی» بود، اما مدعی است که ویژگی‌های آیه سی‌وشش، ویژگی‌های نبوی‌ای نیستند که روم پاپی را شناسایی کنند. آن ادعا نادرست است. باید به یاد داشت که در شورش سال 1863، «هفت زمان» لاویان باب بیست‌وشش کنار گذاشته شد، و از این‌رو، نمود «هفت زمان» در هر دو لوح حقوق رد گردید. هر دو نمودار 1843 و 1850، «هفت زمان» را درست در مرکز نمودارها نشان می‌دهند، و هر دو تصویر، صلیب را در مرکز خط «هفت زمان» قرار می‌دهند. هنگامی که نور جدید «هفت زمان» در سال 1856 رسید و پس از آن رد شد، این امر نشانگر رد شدن دو لوح حقوق بود، و نیز اقتدار روح نبوت را، که به روشنی تصریح می‌کند هر دو نمودار به هدایت خدا تنظیم شده بودند.

به گفته خواهر وایت، آخرین فریب شیطان این است که شهادت روح خدا را بی‌اثر سازد؛ و در اینجا نخستین فریب نیز این بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر سازد، و این همچنین نمایانگر رد هم‌زمان حقایق بنیادی مندرج در دو نمودار، و به‌طور خاص هفت زمان، بود.

در شورش سال ۱۸۶۳، کسی جز اوریا اسمیت نبود که چارت جعلی ۱۸۶۳ را پدید آورد؛ همان چارتی که خط «هفت زمان» را حذف کرد. تا سال ۱۸۶۳، اوریا اسمیت چشمان خود را بر نور «هفت زمان» بسته بود و نمی‌توانست ببیند که دو «غضب» وجود دارد که دانیال آن‌ها را مشخص می‌سازد. این دو غضب، نمایانگر «هفت زمان» بر ضد پادشاهی شمالی اسرائیل و پادشاهی جنوبی یهودا هستند. نخستین، بر ضد ده سبط شمالی، در ۷۲۳ پیش از میلاد آغاز شد و در ۱۷۹۸ پایان یافت، و دومین در ۶۷۷ پیش از میلاد آغاز شد و در ۱۸۴۴ پایان یافت.

جبرائیل در باب هشتم نزد دانیال آمد تا رؤیای «مَرَاه» را تفسیر کند، و در پیوند با مأموریت خود، گواهی دومی بر سال ۱۸۴۴ ارائه کرد. دو هزار و سیصد سال دانیال باب هشتم در ۱۸۴۴ به پایان رسید، و همچنین آخرین دو غضب بر ضد پادشاهی‌های شمالی و جنوبی نیز در همان سال پایان یافت.

اور اُس نے کہا، دیکھ، میں تجھے بتاتا ہوں کہ غضب کے آخری انجام میں کیا واقع ہوگا، کیونکہ مقررہ وقت پر انجام آئے گا۔ دانی ایل 8:19

.El fin postrero presupone un fin primero. La última de las dos indignaciones, que no es sino otra expresión de los siete tiempos, terminó en 1844, y la primera indignación terminó en 1798. El versículo que, según afirmaba Smith, no contenía especificaciones del poder papal, identificaba el año en que el papado recibiría su herida mortal

او پادشاه موافق ارادۀ خویش عمل خواهد کرد؛ و خویشتن را برخواهد افراشت و خویش را برتر از هر خدا خواهد بزرگ ساخت، و سخنان شگفت‌انگیز بر ضد خدای خدایان خواهد گفت، و کامیاب خواهد شد تا هنگامی که غضب به انجام رسد؛ زیرا آنچه مقدر شده است، به‌جا آورده خواهد شد. دانیال 11:36

«پادشاه» در آیه سی‌وششم «کامیاب خواهد شد تا غضب به انجام رسد.» توجه کنید که اسمیت در همان کتابی که در آن ادعا می‌کند قدرت پاپی واجد اوصاف درست برای تحقق آیه سی‌وششم نیست، درباره دانیال باب هشت، آیات بیست‌وسه و بیست‌وچهار، چه می‌نویسد.

«آیه ۲۳. و در زمان آخر پادشاهی ایشان، هنگامی که عاصیان به کمال رسیده باشند، پادشاهی با سیمایی سخت و فهمنده معماهای تاریک برخاسته خواهد شد. ۲۴. و قدرت او عظیم خواهد بود، اما نه به نیروی خود او؛ و به‌طرزی شگفت‌انگیز هلاک خواهد کرد، و کامیاب خواهد شد، و عمل خواهد نمود، و زورآوران و قوم مقدس را نابود خواهد ساخت. ۲۵. و به‌سبب سیاست خود نیز مکر را در دست خویش کامیاب خواهد گردانید؛ و در دل خود خویشتن را بزرگ خواهد شمرد، و به‌وسیله صلح بسیاری را هلاک خواهد کرد؛ همچنین بر ضد سرور سروران خواهد ایستاد؛ اما بدون دست شکسته خواهد شد.

«این قدرت در ایام واپسین سلطنت آن چهار بخش پادشاهی بزر، یعنی در آستانۀ پایان دوران اقتدارشان، جانشین آنها می‌گردد. بدیهی است که این همان شاخ کوچک مذکور در آیه ۹ و آیات پس از آن است. اگر آن را، چنان‌که در توضیحات مربوط به آیه ۹ بیان شده است، بر روم تطبیق دهیم، همه‌چیز هماهنگ و روشن خواهد بود.

«پادشاهی با سیمایی سهمگین.» موسی، در پیشگویی مجازاتی که از سوی همین قدرت بر یهودیان خواهد آمد، آن را «امتی با سیمایی سهمگین» می‌خواند. تث. 28:49، 50. هیچ قومی در آرایش جنگی، ظاهری هراس‌انگیزتر از رومیان نداشت. «فهمندۀ سخنان دشوار.» موسی، در همان بخشی از کتاب مقدس که بدان اشاره شد، می‌گوید: «که زبانش را نخواهی فهمید.» این را در نسبت با یهودیان نمی‌توان درباره بابلان، پارسیان، یا یونانیان گفت؛ زیرا زبان‌های کلدانی و یونانی، در فلسطین، کمابیش به کار می‌رفتند. اما درباره لاتین چنین نبود.

«آنگاه که عاصیان به کمال رسیده باشند.» در سراسر این عبارت، پیوند میان قوم خدا و ستمگران ایشان همواره در نظر نگاه داشته شده است. به سبب تعدیات قوم او بود که ایشان به اسارت فروخته شدند. و دوام ایشان در گناه، مجازاتی سخت‌تر را به دنبال آورد. در هیچ زمانی یهودیان، به عنوان یک قوم، از لحاظ اخلاقی فاسدتر از زمانی نبودند که زیر حاکمیت رومیان قرار گرفتند.

«نیرومند، اما نه به قوت خود.» کامیابی رومیان تا حد زیادی مرهون یاری هم‌پیمانانشان و نیز تفرقه در میان دشمنانشان بود، که همواره آماده بودند از آن بهره‌برداری کنند. روم پاپی نیز به واسطه قدرت‌های دنیوی‌ای که بر آن‌ها سلطه روحانی اعمال می‌کرد، نیرومند بود.

«او به طرزی شگفت‌انگیز هلاک خواهد کرد.» خداوند به واسطه نبی، حزقیال، به یهودیان فرمود که ایشان را به دست مردانی «ماهر در هلاک کردن» خواهد سپرد؛ و کشتار یک میلیون و یک‌صد هزار یهودی در هنگام ویرانی اورشلیم به دست سپاه روم، تأییدی هولناک بر سخنان نبی بود. و روم در مرحله دوم خود، یعنی مرحله پاپی، مسئول مرگ پنجاه میلیون شهید بود.

«و نیز به سبب سیاست خود، مکر را در دست خویش کامیاب خواهد ساخت.» روم بیش از همه قدرت‌های دیگر به سیاست مکر ممتاز بوده است؛ سیاستی که به وسیله آن ملت‌ها را زیر سلطه خود درآورد. این امر هم درباره روم بت‌پرست و هم درباره روم پاپی صادق است. و بدین‌سان، به وسیله صلح، بسیاری را هلاک ساخت.

«و سرانجام روم، در شخص یکی از والیان خود، با صدور حکم مرگ بر ضد عیسی مسیح، در برابر سرور سروران برخاست.» اما او بدون دست شکسته خواهد شد، عبارتی که نابودی این قدرت را با درهم‌کوبیده شدن آن تمثال در فصل ۲ یکی می‌سازد. «اورپاه اسمیت، Daniel and the Revelation, 202-204»

اسمیت در این بخش، در دو موضع، تصریح می‌کند که ویژگی‌های نبوی روم بت‌پرست و روم پاپی قابل جایگزینی با یکدیگرند، زیرا این دو صرفاً ظهور روم در دو مرحله آن هستند؛ همان‌گونه که آمیزه آهن و گل در باب دوم دانیال، که خواهر وایت آن را نمادهای کلیسازدگی و دولت‌ورزی معرفی می‌کند. هنگامی که دانیال در آیاتی که اسمیت بدان‌ها می‌پردازد، بیان می‌کند که روم «کامیاب خواهد شد و عمل خواهد کرد»، و اینکه روم «حیله را در دست خود کامیاب خواهد ساخت»، اسمیت مدعی است که در آیه سی‌وششم، «پادشاهی» که «کامیاب خواهد شد تا غضب به انجام رسد»، یکی از ویژگی‌های نبوی هر دو، یعنی روم بت‌پرست و روم پاپی، را معرفی می‌کند. سپس مدعی می‌شود که هیچ‌یک از ویژگی‌های روم در آیه سی‌وششم به قدرت پاپی اشاره ندارد.

ما در تأیید این همسان‌سازی که روم همان غارتگرانی است که رؤیا را برپا می‌دارند، به اسمیت ارجاع داده‌ایم؛ و یکی از چهار ویژگی نبوی در آیه چهارده این است که روم خویشتن را برمی‌افرازد.

लोग उपद्रवी से मैं लोगों तेरे और; होंगे खड़े उठ वरिद्ध के राजा के दक्षिण लोग से-बहुत मैं समयों उन और
11:14. दानियेल पढ़ेंगे। गरि वे परन्तु, उठाएँगे ऊँचा को अपने लयि के करने स्थिर को दर्शन भी

اسمیت ادعا می‌کند که ویژگی‌های پادشاه در آیه سی‌وشش با قدرت پاپی سازگار نیست، هرچند او پیش‌تر دفاع کرده بود که در آیه چهارده این روم است که خویشتن را برمی‌افرازد. با این حال، پادشاه در آیه سی‌وشش «خود را برخواید افراشت». همان پادشاه در آیه سی‌وشش «سخنان شگفت‌انگیز بر ضد خدای خدایان خواهد گفت». در دانیال، قدرت پاپی «سخنان بزرگ بر ضد حضرت اعلی خواهد گفت»، و در کتاب مکاشفه، قدرت پاپی بر ضد حضرت اعلی کفر می‌گوید.

و به او دهانی عطا شد که سخنان بزرگ و کفرآمیز می‌گفت؛ و به او قدرت داده شد که چهل و دو ماه دوام آورد. و دهان خود را به کفرگویی بر ضد خدا گشود، تا بر نام او، و خیمه او، و ساکنان

ہر نبوی تعیین جو پاپائی اقتدار سے متعلق ہے، چھتیسویں آیت میں شناخت کی گئی ہے۔

اور بادشاہ اپنی مرضی کے مطابق عمل کرے گا؛ اور وہ اپنے آپ کو بلند کرے گا، اور اپنے آپ کو ہر معبود سے بڑھا کر عظمت دے گا، اور معبودوں کے خدا کے خلاف عجیب باتیں کرے گا، اور اس وقت تک کامیاب رہے گا جب تک غضب پورا نہ ہو جائے؛ کیونکہ جو کچھ مقرر کیا گیا ہے وہی انجام پائے گا۔ دانی ایل 11:36۔

مفسران بشری بارہا غیر قابل اعتماد ہوتے ہیں، لیکن بہت سے ایڈونٹسٹ مفسرین اس بدیہی حقیقت کی گواہی دیتے ہیں کہ یہی آیت چھتیس تھی جس کا رسول پولس نے 2 تھسلنیکوں میں، جب اُس نے مرد گناہ کا ذکر کیا، اقتباسی انداز میں بیان کیا تھا۔

کسی بھی طرح کوئی شخص تمہیں فریب نہ دے، کیونکہ وہ دن نہیں آئے گا جب تک پہلے ارتداد نہ واقع ہو، اور وہ مرد گناہ، یعنی ہلاکت کا فرزند، ظاہر نہ ہو؛ جو ہر اُس چیز کی مخالفت کرتا اور اپنے آپ کو اُس سب پر بلند کرتا ہے جو خدا کہلاتی ہے یا جس کی پرستش کی جاتی ہے؛ یہاں تک کہ وہ خدا کے پیکل میں خدا بن کر بیٹھتا ہے اور اپنے آپ کو ظاہر کرتا ہے کہ وہ خدا ہے۔ 2 تھسلنیکوں 2:2، 3۔

آیہ سی و شش می گوید کہ «او خویشتن را برخاھد افراشت و خویشتن را برتر از ہر خدایی بزرگ خواھد شمرد»، و پولس می گوید: «آن مرد گناہ آشکار گردد، آن پسر ہلاکت؛ کہ مخالفت می ورزد و خویشتن را برتر از ہر آنچه خدا خواندہ می شود یا پرستیدہ می شود، برمی افرازد.» آشکار است کہ اسمیت ہیچ اقتدار نبوتی نداشت تا ادعا کند پادشاہ آیہ سی و شش با پادشاہی کہ در آیاتِ منتہی بہ آیہ سی و شش مورد بحث است، متفاوت بودہ است۔ از لحاظ دستوری ہیچ توجیہی برای این تطبیق نادرست خود نداشت، و ادعای او کہ چنین کردہ است زیرا آیہ سی و شش ہیچ ویژگی ای از قدرت پاپی را در بر ندارد، تحریف کلام مقدس بود در تلاشی برای برپا ساختن تفسیری شخصی۔

ما نیز کلام نبوت را استوارتر داریم؛ کہ نیکو می کنید اگر بدان توجہ نمایند، همچون بہ چراغی کہ در جای تاریک می درخشد، تا ہنگامی کہ روز بدمد و ستارہ صبح در دل های شما طلوع کند؛ نخست این را بدانید کہ ہیچ نبوتِ کتاب از تفسیر شخصی نیست۔ زیرا نبوت در زمان های گذشتہ بہ ارادہ انسان پدید نیامد، بلکہ مردانِ مقدس خدا، آنگاہ کہ از روح القدس بہ حرکت آورده می شدند، سخن گفتند۔ ۲ پطرس ۱۹:۱-۲۱

در طول سال های آدونتیسیم لااودیکہ، الہی دانان، شبانان و نویسندگان آدونتیسٹ بسیاری بہ این موضوع پرداختہ اند کہ آیا بہ نظر آنان تطبیق اسمیت درست است یا نادرست۔ یک شبان استرالیایی بہ نام لوئیس ور، کہ سال ہاست درگذشتہ است، بخشی اعظم خدمت خود را صرف مخالفت با الگوی نادرست نبوی اسمیت کرد۔ دلیل این مخالفت صرفاً این نبود کہ اسمیت سرانجام پادشاہی را کہ در آیہ چہل و پنجم بہ پایان خود می رسد، ترکیہ شناسایی کرد، بلکہ چارچوب او همچنین بہ تطبیقی نادرست از آرماگدون انجامید۔ در دہہ ۱۹۸۰، یا حدود آن، یکی از نویسندگان آدونتیسٹ کتابی با عنوان Adventists and Armageddon, Have We Misunderstood Prophecy? بہ رشتہ تحریر درآورد۔ نام نویسنده دونالد منسل است و آن کتاب همچنان در دسترس است۔

منسل تاریخِ منتہی بہ جنگِ جہانی اول و جنگِ جہانی دوم را دنیال می کند و نشان می دہد کہ ہنگامی کہ آشکار شد ہر دو جنگ در حال نزدیک شدن اند، مبشران آدونتیسٹ بہ کارگیری تطبیق نادرست اسمیت را آغاز کردند؛ یعنی این کہ حرکتِ ترکیہ بہ سوی اورشلیم literal را بہ عنوان نشانہ ای از آرماگدون و پایان جہان معرفی کنند۔ او با استناد بہ دفاتر عضویت کلیسا نشان می دہد کہ با

نزدیک شدن هر یک از آن جنگ‌ها، جان‌های بسیاری بر اساس تأکید نبوی مبشران، که از دیدگاه معیوب اسمیت دربارهٔ آرماگدون برگرفته شده بود، به عضویت کلیسای ادونتیست درآمدند.

هنگامی که هر یک از آن جنگ‌ها به پایان رسید و پیش‌بینی‌های معیوب تحقق نیافت، کلیسا اعضای بیشتری را از دست داد تا آنچه از الگوی نبوی ساخته شده به دست اسمیت به دست آورده بود.

اسمیت کی طرف سے ملیریوں کے بنیادی پیغام کو رد کرنے، اور دانی ایل کی آیات چھتیس سے پینتالیس تک کی اپنی ذاتی تفسیر کو فروغ دینے پر آمادگی کے ذریعے، اسمیت کی منطق نے ایک ایسا نبوتی نمونہ پیدا کیا جو عصری واقعات پر مبنی تھا۔

در مناقشه میان اسمیت و جیمز وایت دربارهٔ آن پادشاهی که در آخرین آیه از دانیال یازدهم به پایان خود می‌رسد، جیمز وایت منطق را مطرح کرد که به اختصار بنیاد سست نبوی اسمیت را بازنمایی می‌کرد. وایت تعلیم می‌داد که «نبوت تاریخ را پدید می‌آورد، اما تاریخ نبوت را پدید نمی‌آورد.»

مبلغان بشارتی ادونتیسم که پیش از هر دو جنگ فعالیت می‌کردند، از تاریخ در حال تکوین بهره می‌بردند تا الگوی نبوی معیوب اسمیت دربارهٔ آرماگدون را عرضه کنند؛ و کار ایشان، که در آستانهٔ آن جنگ‌ها بسیار پربرکت می‌نمود، آنگاه که آشکار شد آن الگوی نبوی بر تفسیری شخصی مبتنی است، در نهایت زبانی خالص بر جای گذاشت.

از انبیای کاذب برحذر باشید؛ آنان در لباس میش نزد شما می‌آیند، اما در باطن گرگان درنده‌اند. ایشان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. آیا مردم از خار، انگور می‌چینند، یا از خس، انجیر؟ همچنین هر درخت نیکو، میوه نیکو می‌آورد؛ اما درخت فاسد، میوه بد می‌آورد. درخت نیکو نمی‌تواند میوه بد بیاورد، و درخت فاسد نیز نمی‌تواند میوه نیکو بیاورد. هر درختی که میوه نیکو بیاورد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. پس ایشان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. متی ۷:۱۵-۲۰

آمادگی اسمیت برای ترویج یک الگوی خصوصی نبوی دربارهٔ پادشاه در آیهٔ سی‌وشش، این ثمر را نیز به بار آورد که کاربردی نادرست از بلای ششم و هارمجدون پدید آید.

के पूर्व ताकि, गया सूख जल उसका और; दिया उडेल पर फरात नदी बड़े कटोरा अपना ने स्वर्गदूत छठे और झूठे और, से मुंह के पशु और, से मुंह के अजगर मैंने और जाए। कयिा तैयार मार्ग लिए के राजाओं दुष्टात्माओं वे क्योंकि देखा। नकिलते को आत्माओं अशुद्ध तीन समान के मेढको से मुंह के भवषियद्वक्ता के राजाओं के जगत सारे तथा राजाओं के पृथ्वी और, है करती काम अद्भुत और चनिह जो, है आत्माएं की करे। इकट्ठा लिए के लड़ाई की दनि महान उस के परमेश्वर सर्वशक्तमिन उन्हें ताकि, है जाती नकिल पास न ऐसा, है करता रक्षा की वस्त्रों अपने और, है रहता जागता जो वह है धन्य हूं। आता समान के चोर मैं, देखो इब्रानी जो, कयिा इकट्ठा मे स्थान उस उन्हें उसने और देखे। लज्जा उसकी लोग और, चले नंगा वह कहो 16:12-16. प्रकाशतिवाक्य है। कहलाता मगदिदोन-हर मे भाषा

چنان‌که پیش‌تر اشاره کرده‌ایم، بلای ششم پس از بسته شدن زمان آزمایش بشر فرا می‌رسد؛ از این رو، هشداری که در آن آمده است که جامه‌های خود را نگاه دارید، باید به موضوعی آزمون‌کننده اشاره داشته باشد که پیش از آن رخ می‌دهد که میکائیل برخیزد و زمان آزمایش بشر بسته شود و بلای نخست آغاز گردد. بلای ششم فعالیت‌های ارژدها، وحش و نبی کذاب را مشخص می‌سازد؛ همان اتحاد سه‌گانه‌ای که در قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع پدید می‌آید. آن اتحاد سه‌گانه، روم جدید است، و نمادی که اتحاد سه‌گانه روم جدید را شناسایی و تثبیت می‌کند، «دزدان قوم تو» هستند که «خویشان را برمی‌افرازند تا رؤیا را برقرار سازند» و «سقوط می‌کنند».

هشدار بلای ششم، هرگاه فهمیده شود، به جان اجازه می‌دهد جامه‌های خود را نگاه دارد؛ اما اگر رد شود، جان را برهنه باقی می‌گذارد، و این یکی از پنج ویژگی لاودیکیه‌ای است. نمادی که آن هشدار را برقرار می‌سازد، «راهزنان قوم تو» هستند که خود را برمی‌افرازند و سرانجام سقوط می‌کنند. سلیمان گفت اگر قوم خدا آن رؤیا را نداشته باشند، هلاک می‌شوند.

جهاں رؤیا نہیں ہوتی، وہاں لوگ ہلاک ہو جاتے ہیں؛ لیکن جو شریعت کو مانتا ہے، وہ مبارک ہے۔ امثال 29:18.

واژه عبری «هلاک شود» به معنای «برهنه ساختن» است، و یوحنا ثبت کرد: «خوشا به حال آن که بیدار می‌ماند و جامه‌های خود را نگاه می‌دارد، مبادا برهنه راه رود و رسوایی او را ببینند.» اسمیت در مورد پادشاه شمال در خطا بود، و آن بنیان نادرست نبوی به او امکان داد تا کاربردی نبوی را بپروراند که اگر پذیرفته شود، برهنگی پدید می‌آورد؛ برهنگی‌ای که نماد لاودیکیه‌ایان است، آنان که از دهان خداوند بیرون افکنده می‌شوند.

اسمیت در دفاع از شناسایی تازه و نادرست خود از «پادشاه شمال» در برابر جیمز وایت، شوهر آن نیبه، هیچ مشکلی نداشت. مورخان ادونتیسیت، و نیز خواهر وایت، به اختلاف مشهور آنان پرداخته‌اند. الن وایت هم شوهرش و هم اسمیت را توییح کرد، زیرا اجازه داده بودند اختلاف نظرشان درباره این‌که در دانیال یازده «پادشاه شمال» نماینده چه کسی است، به عرصه عمومی کشیده شود. جیمز وایت در نخستین نشریه ادونتیسیتی پس از ناکامی بزرگ سال 1844 نوشت:

«این‌که عیسی برخاست، در را بست، و نزد قدیم‌الایام آمد تا در ماه هفتم سال 1844 پادشاهی خود را دریافت کند، من کاملاً بدان ایمان دارم. بنگرید به لوقا 13:25؛ متی 25:10؛ دانیال 12:13، 14. اما برخاستن میکائیل، دانیال 12:1، ظاهراً واقعه‌ای دیگر و برای منظوری دیگر است. برخاستن او در سال 1844 برای این بود که در را ببندد و نزد پدر خود آید تا پادشاهی خویش و قدرت پادشاهی را دریافت کند؛ اما ایستادن میکائیل برای آن است که قدرت ملوکانه خود را، که هم‌اکنون نیز دارد، در هلاکت شریران و در رهایی قوم خویش آشکار سازد. میکائیل در زمانی باید برخیزد که آخرین قدرت در باب 11 به پایان خود برسد و یاری‌کننده‌ای برای او نباشد. این قدرت، آخرین قدرتی است که کلیسای حقیقی خدا را پایمال می‌کند؛ و چون کلیسای حقیقی هنوز از سوی تمام عالم مسیحیت پایمال و طرد می‌شود، نتیجه می‌شود که آخرین قدرت ستمگر هنوز «به پایان خود» نرسیده است؛ و میکائیل هنوز برخاسته است. این آخرین قدرتی که مقدسان را پایمال می‌کند، در مکاشفه 13:11-18 به تصویر کشیده شده است. عدد او 666 است.» James White, A Word to the Little Flock, 8

هنگامی که اسمیت آنچه را «نور جدید» خود درباره موضوع «آخرین قدرت در فصل یازدهم دانیال» می‌نامید مطرح ساخت، جیمز وایت تطبیق اسمیت را نه نور جدید، بلکه حمله‌ای بر بنیان‌ها تلقی کرد. مناقشه مربوط به روم به عنوان پادشاه شمال در دانیال یازده، که میان اوریا اسمیت و جیمز وایت روی داد، دارای ویژگی‌های مشخصی است که ما، به عنوان دانشجویان نبوت، باید آن را با دیگر مناقشات تاریخ ادونتیسیت درباره روم کنار هم قرار دهیم.

از جمله آن ویژگی‌ها، طرح یک تفسیر خصوصی است. ویژگی دیگر آن است که به کار بستن آن تفسیر خصوصی مستلزم تحریف دستور ساده زبان است؛ زیرا اسمیت نه تنها نادیده گرفت که هر صفت نبوی در آیه سی‌وشش روم را مخاطب می‌سازد، بلکه نادیده گرفت که ساختار نحوی اقتضا می‌کند پادشاه آیه سی‌وشش همان پادشاهی باشد که در بخش پیشین به تصویر کشیده شده است.

یکی دیگر آن است که تفسیر شخصی، ردّ حقایق بنیادی بود. دیگری آن است که این امر، بیانگر ردّ اقتدار روح نبوت است. ویژگی دیگر آن است که نخستین اندیشه معیوب درباره روم، به الگویی نبوی

خواهد انجامید که شخص را از نگاه داشتن جامه‌های خویش در حالی که به پایان مهلت آزمایش بشر نزدیک می‌شود، باز می‌دارد. دیگری، آمادگی برای ترویج علنی تفسیر شخصی خود بود. دیگر آن است که تفسیر شخصی، به طور ثابت، به عنوان نور جدید معرفی می‌شود. همه این اوصاف در بحث کنونی درباره «دزدان قوم تو» نمود یافته‌اند.

Cuando la última controversia de Roma, tipificada por la primera controversia de Roma al identificar a los "robbers of thy people", sea puesta en conjunto con la línea profética de la controversia de Uriah Smith y James White, veremos que una clase estará edificando su modelo profético sobre una interpretación privada, la cual rechaza la verdad fundamental

ردّ حقایق بنیادی، به طور خودکار، به معنای ردّ اقتدار روح نبوت است؛ همان روحی که با استحکامی کامل از آن حقایق بنیادی دفاع می‌کند. آن گروه همچنین مایل خواهند بود دیدگاه خود را آشکارا مطرح کنند، بی‌اعتنا به هرگونه نگرانی‌ای که ممکن است درباره تأثیری که این تعلیم بر قوم خدا در سراسر جهان خواهد گذاشت مطرح شود.

بلافاصله پس از ۱۸۴۴، در نخستین نسل ادونتیسیم، مناقشه‌ای دیگر درباره روم مطرح شد. آن مناقشه پیوسته دامن زده می‌شد تا آنکه آن دیدگاه نادرست در نسل سوم ادونتیسیم پذیرفته شد. ما اکنون مناقشه «قربانی دائمی» را به عنوان چهارمین مورد از شش خطی که در الگوی «خط بر خط» در دست بررسی داریم، مورد توجه قرار خواهیم داد.

لیکن اس سے پہلے کہ ہم روم کے اختلافات کی چوتھی سطر کو زیر بحث لائیں، یہ یاد رکھنا ضروری ہے کہ گزشتہ مضمون میں، جب ہم دانی ایل باب گیارہ کی آیت دس پر گفتگو کر رہے تھے، تو ہم نے یہ بیان کیا تھا: "آیت دس بھی براہ راست احبار چھبیس کے 'سات زمانوں' کو مخفی تاریخ کے ساتھ مربوط کرتی ہے، لیکن حق کی وہ سطر اُس بات سے خارج ہے جسے ہم یہاں پیش کر رہے ہیں۔"

اوریا اسمیت در سال ۱۸۶۳ رهبر ردّ کردن «هفت زمان» بود. او افزایش معرفت درباره آن موضوع را که در مقالات مربوط به آن، به قلم هایرام ادسون، عرضه شده و در سال ۱۸۵۶ در Review منتشر شده بود، رد کرده بود. دلالت‌های این که اسمیت با جنبشی مرتبط بود که «هفت زمان» را ارائه کرده بود، اما پس از آن افزایش معرفت را دقیقاً در همان موضوع رد نمود، نیز خارج از موضوع ویژگی‌های مطرح ساختن آنچه او درباره موضوع پادشاه شمال مدعی بود نور جدید است از سوی اسمیت می‌باشد؛ اما هنگامی که مرور خود را بر خط مناقشات ادونتستی روم به پایان برسانیم، هم به اهمیت آیه ده از باب یازدهم دانیال بازخواهیم گشت، و هم به آنچه رد پیام لائودیکیه از سوی اسمیت - که در سال ۱۸۵۶ همراه با افزایش معرفت درباره «هفت زمان» رسید - نمایان می‌سازد.

«ایمان ما در ارتباط با پیام‌های فرشته اول، دوم، و سوم، درست بود. نشانه‌های بزرگ راهی را که از آن‌ها گذشته‌ایم، غیرقابل تحرک‌اند. هرچند سپاهیان جهنم بکوشند آن‌ها را از بنیادشان برکنند و با این اندیشه که کامیاب شده‌اند به وجد آیند، با این حال کامیاب نمی‌شوند. این ستون‌های حقیقت همچون تپه‌های جاودان استوار می‌مانند و با همه تلاش‌های انسان‌ها که با تلاش‌های شیطان و سپاهش درآمیخته است، از جای جنبش نمی‌خورند. ما می‌توانیم بسیار بیاموزیم، و باید پیوسته در کتاب مقدس جست‌وجو کنیم تا ببینیم آیا این امور چنین هست یا نه.» Evangelism, 223

«نشانه‌های بزرگ حقیقت که جایگاه ما را در تاریخ نبوت به ما نشان می‌دهند، باید با دقت نگاه داشته شوند، مبادا فرو افکنده شوند و به جای آن‌ها نظریه‌هایی قرار گیرد که به جای نور راستین، سردرگمی به بار آورند.» Selected Messages، جلد ۲، صص. ۱۰۱، ۱۰۲.

«در این زمان کوشش‌های بسیاری به عمل خواهد آمد تا ایمان ما را در موضوع مقدس متزلزل سازد؛ اما ما نباید دچار تزلزل شویم. نباید حتی سوزنی از بنیادهای ایمان ما جابه‌جا گردد. حق همچنان حق است. کسانی که دچار تردید و بی‌ثباتی شوند، به سوی نظریه‌های گمراه‌کننده رانده خواهند شد، و سرانجام خواهند یافت که نسبت به شواهد گذشته‌ای که در اختیار داشته‌ایم درباره اینکه حق چیست، به بی‌ایمانی افتاده‌اند. نشانه‌های راه کهن باید محفوظ داشته شوند، مبدا جهت‌یابی خود را از دست بدهیم.» Manuscript Releases, volume 1, 55